

ویژه

اتهام جاسوسی شهروند اسرائیل برای ایران

دادستانی رژیم صهیونیستی یک شهروند ساکن سرزمین‌های اشغالی را به انجام پروژه‌های جاسوسی برای ایران متهم کرد.

چند روز پس از انتشار خبر بازداشت «الکساندر گرانوفسکی» ۲۹ ساله به دلیل ارتباط با ایران، دادستانی رژیم صهیونیستی اعلام کردند که او در دادگاه منطقه مرکزی به دلیل انجام مأموریت‌هایی از طرف ایران که به امنیت داخلی اسباب رسانده، متهم شده است. او به ارتباط با یک عامل خارجی، قرار دادن اطلاعات در اختیار دشمن، خرابکاری و جرایم آتش سوزی متهم شده و دادستانی از دادگاه خواسته است که قرار بازداشت وی را تا پایان رسیدگی به پرونده تمدید کند. به نوشته روزنامه تایمز اسرائیل، بر اساس کیفرخواست صادر شده علیه گرانوفسکی، دادستانی رژیم صهیونیستی مدعی است که او از ماه نوامبر یا یک مامور ایرانی از تماس مستمر بوده و با دریافت مبالغی، یک سری اقدامات، از جمله «فیلمبرداری از امکانات امنیتی، اسپری کردن پیام‌های سیاسی، آتش زدن خودروها و اعمال خرابکارانه دیگر انجام داده است.»

در این کیفرخواست ادعا شده که در ماه دسامبر از گرانوفسکی خواسته شد تا سلاح بخرد و سپس او از محله‌ای که «بنی گانتس» وزیر جنگ سابق صهیونیستی در آن زندگی می‌کند و همچنین نیروگاه‌های برق دره‌داره و تل‌اوئو فیلمبرداری و این فیلم‌ها را برای مامور ایرانی ارسال کرد.

علاوه‌براین، ادعا می‌شود که از او خواسته شده بود تا لباس ارتش را بخرد و سپس آن را در انتظار از بین ببرد و افرادی با سابقه جانیکارانه را نیز برای انجام اقدامات خشونت‌آمیز پیدا کنند. او مشخصات تماس ۲ نفر از این افراد را هم ارسال کرده بود. در کیفرخواست آمده است که او همچنین با ساخت کوکتل مولوتف موافقت کرده بود اما به دلیل موانع ارتباطی شکست خورد.

طبق کیفرخواست صادر شده، گرانوفسکی آگاه بوده است که با یک عنصر متخصص همکاری می‌کند و حتی وظایف احتمالی بیشتری را درخواست کرده و از مامور ایرانی خواسته بود که مأموریت‌های بیشتر و بزرگ‌تری او بدهد. آژانس امنیت رژیم صهیونیستی(شسین بت) در گزارش سالانه خود که روز سه‌شنبه منتشر شد، ادعا کرد که شمار بی‌سابقه‌ای از افراد مظنون به عملیات‌های جاسوسی برای ایران را در سال ۲۰۲۴ بازداشت کرده که نسبت به سال ۲۰۲۳ افزایش ۴۰۰ درصدی داشته است.

شین بت همچنین روز دوشنبه مدعی شد که الکساندر گرانوفسکی، یکی از سساکتان «بتا تیکوا» را به اتهام به آتش کشیدن خودروها و جاسوسی از تلفن همراه بنی گانتس از سوی ایران را بازداشت کرده است.

کنسولی

تهران پیگری آزادی شهروند ایرانی از زندان میلان

سفیر ایران در ایتالیا در دیدار با دبیرکل وزارت امور خارجه این کشور، ضمن گفت‌وگو درباره بازداشت شهروند ایرانی زندانی در میلان و نیز شهروند ایتالیایی که به دلیل نقض قوانین ایران بازداشت شده، گفت که از دولت ایتالیا انتظار دارد ضمن تسریع در آزادی شهروند ایرانی، امکانات رفاهی مورد نیاز او را نیز فراهم آورد.

سفارت ایران در رم اعلام کرد «محمدرضا صبوری» سفیر جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا به دعوت «ریکاردو گوارالو» دبیرکل وزارت امور خارجه ایتالیا، در محلل این وزارتخانه با او دیدار و گفت‌وگو کرد. «آنتونیو تاجانی» وزیر امور خارجه ایتالیا روز پنج‌شنبه گفت که دبیرکل وزارت امور خارجه ایتالیا را موظف کرد تا سفیر ایران در رم را در پی بازداشت «چیچیلیا سالا» احضار کند. «چیچیلیا سالا» خبرنگار ۲۹ ساله ایتالیایی است که روز ۱۹ دسامبر به اتهام نقض قوانین جمهوری اسلامی ایران دستگیر شد و تاکنون نیز در بازداشت به سر می‌برد.

مقامات ایران ضمن تأیید بازداشت این تبعه ایتالیایی تأکید کردند که او در طول مدت از خدمات کنسولی در تهران بهره‌مند بوده و با خانواده‌اش تماس داشته است. دولت ایتالیا روز چهارشنبه نیز در پیامی شفاهی که وزارت امور خارجه این کشور از طریق «پائولو آمادی» سفیر ایتالیا در تهران به این روزنامه‌نگار ایتالیایی ارسال کرد، خواستار ضمانت سرایط بازداشت و آزادی فوری این شهروند خود شد.

طبق اعلام سفارت ایران در رم، در دیدار دوستانه گوارالو و صبوری، در خصوص آخرین «محمد عابدینی» وضعیت شهروند ایرانی که با اتهامات واهی در زندان میلان در بازداشت به سر می‌برد و نیز چیچلیا سالا، شهروند ایتالیایی که به اتهام نقض قوانین جمهوری اسلامی ایران در بازداشت است، بحث و تبادل نظر شد. سفیر ایران همچنین در این دیدار اعلام کرد نُه‌هادهای ذری‌ربط از ابتدای بازداشت سالا، براساس رأفت اسلامی و ملاحظات انسان دوستانه و با درنظر گرفتن میلاد حضرت مسیح (ع) و سال نو میلادی ضمن فراهم آوردن دسترسی کنسولی برای سفرات ایتالیا در تهران، تمامی امکانات مورد نیاز او، از جمله تماس‌های مکرر تلفنی فراهم کرده و مقابلان نیز از دولت ایتالیا انتظار دارد ضمن تسریع در آزادی شهروند ایرانی، امکانات رفاهی مورد نیاز او را نیز فراهم آورد.

نشر دیپلماتیک

انتشار کتاب

«نومحافظه کاری عصر پوتین ریشه‌ها و اندیشه‌ها»

کتاب «نومحافظه‌کاری عصر پوتین، ریشه‌ها و اندیشه‌ها» از مهدی سنایی منتشر شده است و به گفته مؤلف تکیه کبیک کتاب بر حوادث سیاسی نیست بلکه بر ریشه‌های آن و اندیشه‌های فلسفی و سیاسی است.

مهدی سنایی درباره این کتاب نوشته است: کتاب پیش‌روی روایتی ناشناخته یا کمتر شناخته شده از روسیه و تحولات سیاسی و اجتماعی مرتبط با آن است. در اینجا به روسیه نه‌تنها به چشم یک جغرافیا بلکه به‌عنوان یک تاریخ، و به فرد روس نه‌تنها به‌عنوان نماینده یک نژاد بلکه به‌مثابه یک هویت نگرسته می‌شود. در این چارچوب تغییرات و تحولات سیاسی روسیه طی چند سده اخیر نه صرفاً به‌عنوان روندی از منازعه بر سر قدرت، بلکه از پنجره تاریخی اندیشه‌ها و ارزشها و مشاخره میان سنت و تجدد آموخته می‌شود. به زبان دیگر این پژوهش به بررسی لایه‌های زیرین تحولات اجتماعی در روسیه تزاری، اتحاد جماهیر شوروی و فدراسیون روسیه می‌پردازد و هم‌زمان این واقعیت را به نمایش می‌گذارد که زنجیره‌ای از جنس اندیشه، همه این تاریخ هزارساله و حوادث آن را به هم پیوند می‌دهد.

روس‌ها و روسیه به آموختن البته کار سادمای نیست و از این روست که نه‌تنها پژوهشگران خارجی بلکه برخی جامعه‌شناسان روس نیز به وجود دگانه‌ها و پارادوکس‌های بسیار در انگاره‌های فرهنگی و اجتماعی روس‌ها اشاره می‌کنند. «تیوتجیف» فیلسوف و شاعر اواخر قرن نوزدهم میلادی در این زمینه جمله معروفی دارد: روسیه را با عقل نمی‌توان درک کرد و با معیارهای عمومی نمی‌شود اندازه گرفت. نماد دیگری از پیچیده و تودرتو بودن مسائل در روسیه، عروسک‌های معروف روسی به نام «ماترئوشکا» است که در ظاهر یکی به نظر می‌رسند؛ اما با باز کردن عروسک لایه‌به‌لایه عروسک‌های دیگر در دل آن پدیدار می‌شود.
باید ترتیب تاریخ جغرافیا و همه تحولات مرتبط با روسیه همیشه هم‌زادو به نظر می‌رسیده است. در این کتاب، ابتدا تاریخ روسیه نه به‌صورت عمومی، بلکه از منظر مقاطع هویت‌ساز بررسی می‌شود. مدت زیادی از تأسیس دولت روس با خاستگاه بیژانسی نگذشته بود که این سرزمین برای نزدیک به سه قرن تحت سیطره مغولان و شیوه‌های آسیایی درآمد. در پی آن، برآمدن روسیه تزاری به‌عنوان یک دولت مستقل و گسترش و تحکیم آن را با مرکزیت مسکو شاهد هستیم.

روسیه پس از برخاستن و ایستادن به‌عنوان یک امپراتوری در قرن شانزدهم میلادی و با سپری کردن دوره ابهام در قرن هفدهم تمام قرن هیجدهم میلادی را به اصلاحات و اقتباس از اروپا پرداخت. نیمه اول قرن با پتر بزگای صرف اصلاحات عمیق صنعتی، علمی و دینی شد و در نیمه دوم این قرن، کاترین کبیر علاوه بر تداوم اصلاحات‌مسیر روشننگری فلسفی و حقوقی و توسعه اجتماعی را پیش گرفت.

فارن افروز به واشگتن درباره تبعات تقابل با تهران هشدار داد

سود سر شار مذاکره، هزینه گزاف فشار



امور ایران در ادامه این مطلب افزوده است: «لایل بسیار زیادی برای تلاش مجدد روی راهکار دیپلماتیک وجود دارد. مهم‌تر از هر چیزی، مقامات آمریکایی نمی‌دانند که آیا هرگونه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران موفقیت‌آمیز خواهد بود یا خیر. آمریکا و متحدان آن (اسرائیل) از توانایی لازم برای نابودی کامل تأسیسات هسته‌ای ایران برخوردار هستند، اما حتی چنین حمله‌ای مانع تصمیم ایران برای هسته‌ای شدن یا جایجایی تأسیسات خود نخواهد شد.»

او همچنین نوشت: «ایران می‌تواند سریعاً پیش از حملات آمریکا، تأسیسات و ذخایر اورانیوم خود را به تأسیساتی محرمانه منتقل کند. از طرفی، پس از حمله کشوری هسته‌های همچون آمریکا، تهران می‌تواند بسیار راحت‌تر حمایت جامعه‌جهانی از هسته‌ای شدن خود را جلب کند و با ذخایر اورانیوم منتقل شده خود چندین بمب هسته‌ای بسازد.»

ادعای نفیو دربار «تواناییی آمریکا برای نابودی کامل تأسیسات هسته‌ای ایران» درحالی است که پیشتر، «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران در مصاحبه‌ای اظهار داشت: «دیپلماسی به اتکای قدرت است که حرکت می‌کند و قدرت را همین عوامل است که می‌سازد من بارها هم گفتم و معتقدم که اگر توانمندی موشکی ما نبود، اساساً کسی با ما مذاکره نمی‌کرد، اگر می‌توانستند تأسیسات هسته‌ای ما را با یک حمله نظامی مثلاً نابود کنند، چه دلیلی داشت با ما مذاکره کنند و ۲ سال و خرده‌ای بنشینند و مذاکره کنند، ۱۸ روز وزیر خارجه آمریکا یسا وزرای خارجه ۵۰۱ جمع شوند تا یک تقاضی به دست بیاید، علش این بود که توان از بین بردن نظامی تأسیسات ما را نداشتند. نیروهای مسلح ما به وسیله موشک‌هایی که جنبه بازدارندگی داشتند، این توان را ایجاد کرده بودند.»

نفیو با اعتراف به اینکه «احتمال متحد کردن جهان در برابر ایران نیز بسیار کمتر از گذشته است»، نوشت: «هر ۲ حزب سیاسی آمریکا به‌دنبال تقابل با چین هستند. روابط ایران و روسیه به قوی‌ترین حد خود در دهه‌های اخیر رسیده است. پس با توجه به احتمال شکست بالای هرگونه اقدام نظامی علیه ایران و خطرات آن، دولت ترامپ در روزهای اول خود باید با حسن نیت به مذاکره با ایران بپردازد.»

خطرات هرگونه اقدام نظامی علیه ایران

معاون فرستاده ویژه پیشین آمریکا در

فارن افروز به واشگتن درباره تبعات تقابل با تهران هشدار داد

سود سر شار مذاکره، هزینه گزاف فشار



مقام پیشین آمریکایی مجدداً با اشاره به خطرات هرگونه اقدام نظامی علیه ایران و احتمال موفقیت اندک آن، افزود: «حتی از هر چیزی، مقامات آمریکایی نمی‌دانند که آیا هرگونه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران موفقیت‌آمیز خواهد بود یا خیر. آمریکا و متحدان آن (اسرائیل) از توانایی لازم برای نابودی کامل تأسیسات هسته‌ای ایران برخوردار هستند، اما حتی چنین حمله‌ای مانع تصمیم ایران برای هسته‌ای شدن یا جایجایی تأسیسات خود نخواهد بود.»

ریچارد نفیو در ادامه تصریح کرد: «پس با توجه به احتمال موفقیت اندک آمریکا برای جلوگیری از هسته‌ای‌شدن ایران با نابودی تأسیسات این کشور، جز مذاکره، تنها راهکار ممکن آمریکا، آمادگی برای جنگ گسترده است، اما واشگتنگن از توانایی یا اراده لازم برای این اقدام برخوردار نیست. گزینه تغییر رژیم در ایران نیزس تضمین‌کننده آینده‌ای بهتر نخواهد بود. احتمال روی کار آمدن رژیمی ستیزه‌جو پس از سقوط جمهوری اسلامی بسیار بالاست.»

او در ادامه افزود: «در صورت سقوط جمهوری اسلامی، ایران وارد هرج و مرج خواهد شد. شاید عده‌ای اندک از این مسئله خوشحال شوند اما همین هرج و مرج دلیل اصلی عدم خواست ایرانیان برای تغییر رژیم در ایران است. صرف‌نظر از نتایج، هرگونه حمله به ایران، اعم از حمله‌ای محدود یا جنگی تمام عیار، این اقدام برای آمریکا پرهزینه خواهد بود. همین لحظه گزارشات بسیاری درباره کسبود مهمات و پدافند هوایی آمریکا منتشر شده و هرگونه فشار علیه واشگتنگن در چنین شرایطی، غیرمنطقی خواهد بود.»

مقام پیشین آمریکایی در ادامه گزارش کرد: «از طرفی، شرایط بین‌المللی نیز بسیار متفاوت‌تر از گذشته است. جنگ در اوکراین ادامه دارد و هر لحظه خطر حمله چین به

قرار گیرند. این مصونیت شامل حقوق و امتیازات بسیاری می‌شود که به دیپلمات‌ها اجازه می‌دهد «مأموریت خود را با آزادی و امنیت انجام دهند، از جمله عدم بازرسی در فرودگاه‌ها».

بر اساس این کنوانسیون، کشور میزبان حق بازرسی شخصی دیپلمات‌ها یا بررسی اسموال و بار آن‌ها را ندارد. این عمل نقض مصونیت نمایندگان دیپلماتیک محسوب می‌شود و هرگونه تعرض به مصونیت دیپلماتیک می‌تواند موجب تنش در روابط بین کشورها شود.

وزارت امور خارجه لبنان، دیروز (جمعه)، بعد از بازرسی غیرمعمول هواپیمای شرکت «ماهان» در فرودگاه «رفیق حریری» بیروت اعلام کرد بعد از دریافت یادداشتی از سوی سفارت جمهوری اسلامی ایران درباره محتویات ۲ کیف کوچک یک دیپلمات ایرانی اجازه ورود این کیف‌ها را صادر کرده است. منابع لبنانی، دشوور خبر داده بودند همراه شد. بعد از انتشار این خبر توسط این کانال، تماس‌های دیپلماتیک لبنان با مقامات ایرانی انجام شد و پس از آن سبل عظیمی از اخبار و شایعات در مورد محموله هواپیما منتشر شد.

مصونیت بازرسی کیف‌های دیپلماتیک

بازرسی هیئت دیپلماتیک ایرانی که جزوی از مسافراین این هواپیما بودند در حالی است که طبق کنوانسیون وین ۱۹۶۱ در خصوص روابط دیپلماتیک، دیپلمات‌ها از مصونیت کامل برخوردارند و نباید در کشور مقصد مورد بازرسی یا نظارت شخصی

اعتراض شدید تهران به کابل نسبت به تحدید نامتناسب آب‌های ورودی به ایران

دوجانبه، اصول قابل اعمال حقوق بین‌الملل معاهداتی و عرفی و حقوق طبیعی مردمان پایین‌دست رودخانه‌های مشترک و نیز اصل حسن مجبورای در بهره‌برداری منصفانه ۲ ملت از منابع آبی حاصل از رودخانه‌هایی که طی قرون و اعصار متعادی به اقتضای جغرافیای طبیعی منطقه، از افغانستان به سمت ایران سرسازری بوده‌اند، گفت: از افغانستان انتظار می‌رود در استمرار جریان آب از رودخانه‌های مرزی که از سمت افغانستان به ایران جریان دارد، همکاری کرده و موانع ایجاد شده را مرتفع نمایند. وی در رابطه با ساخت یا آب‌گیری کرد که وزارت خارجه جمهوری اسلامی

سدهای جدید در افغانستان و تأثیرات آن بر میزان آب ورودی به ایران، گفت: جمهوری اسلامی ایران بارها به طرقی مقضتی به‌ویژه منحرف کردن مسیب طبیعی رودخانه‌هایی که منشأ و منبع آبدانی و شکل‌دهی به مختصات طبیعی زیست‌محیطی هر دو سوی مرزهای آبی نمی‌تواند بدون رعایت حقوق ایران وفق معاهده‌های دوجانبه یا اصول و قواعد عرفی قابل اعمال و نیز اصل مهم حسن مجبورای و همچنین ملاحظات زیست‌محیطی صورت گیرد.

سختجوی وزارت امور خارجه تصریح کرد که وزارت خارجه جمهوری اسلامی

شبه ۱۵ ختی ۱۴۰۳ – ۳ رجب ۱۴۴۶ – ۴ ژانویه ۲۰۲۵ – سال بیست و چهارم – شماره ۶۴۴۴

اکونوبیک

بندر چابهار و غزه محور رازینی

ایران و هند

ایران و هند در روزهای آینده دور دیگری از رازینی‌های دیپلماتیک را با محوریت روابط دوجانبه، شامل پروژه بندر چابهار و همچنین موضوع جنگ غزه برگزار می‌کنند.

همزمان با ادامه تنش‌ها در منطقه غرب آسیا، ایران و هند دور دیگری از گفت‌وگوهای دیپلماتیک میان مقام‌های ارشد وزارت‌خانه‌های امور خارجه ۲ کشور را برگزار می‌کنند که انتظار می‌رود ۲ طرف طیف گسترده‌ای از موضوعات در روابط دوجانبه، از جمله پروژه‌های ارتباطی مانند بندر چابهار، تعاملات سیاسی، تجاری و اقتصادی، تبادل‌ات فرهنگی، روابط ملتها، همکاری‌ها در زمینه کشاورزی و طرح‌های ظرفیت‌سازی را مورد بررسی قرار دهند.

روزنامه تایمز هند روز پنجشنبه با اعلام این خبر نوشت: انتظار می‌رود که هند بر اهمیت گفت‌وگو و دیپلماسی در حل و فصل مناقشه غزه و اطمینان از جلوگیری از گسترش آن به سایر بخش‌های منطقه تأکید کند. همچنین سایر مسائل منطقه‌ای و جهانی، از جمله تحولات افغانستان مورد بحث قرار خواهد گرفت.

پیش از این، روابط عمومی وزارت امور خارجه ایران خبر داده بود «مجدد تخت‌رواچی» معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران روزهای پنجشنبه و جمعه برای شرکت در نوزدهمین دور نشست مشورت‌های سیاسی ایران-هند به دهلی نو سفر خواهد کرد. طبق گزارش تایمز هند، ریاست هیات هندی در این نشست را «ویکرام مصری» معاون وزیر امور خارجه این کشور برعهده دارد.

نگه

درس‌هایی برای خاورمیانه در حال گذار

«نوید کمالی» در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی می‌نویسد:بحران سوریه به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین منازعات غرب آسیا در طول دو دهه گذشته، درس‌های راهبردی ارزشمندی را پیش روی تحلیلگران و سیاست‌گذاران منطقه‌ای و خاصه سیاست‌گذاران کشورمان قرار داده است. این بحران به مثابه یک آزمایشگاه ژئوپلیتیک، نشان داد که چگونه الگوهای رفتاری در غرب آسیا از قاعده‌مندی‌های خاصی پیروی می‌کنند که فهم آن‌ها برای درک پویایی‌های منطقه و اتخاذ راهبردهای مناسب ضروری است. تحولات سوریه همچون آیینه‌ای تمام‌نما، پیچیدگی‌های ساختاری کارکردی نظام منطقه‌ای غرب آسیا را منعکس کرده و درس‌های ارزشمندی را برای آینده منطقه به همراه داشته است. در وهله نخست، بحران سوریه به وضوح نشان داد که پیروزی‌ها در شکست‌ها در غرب آسیا ماهیتی گذرا و موقت دارند، آنچه در ابتدای بحران به‌عنوان پیروزی قطعی محافلان اسد تلقی می‌شد، با گذشت زمان و ورود بازیگرهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به صحنه‌ای پیچیده از توازن قوا تبدیل شد. اما در پی گذشت زمان و تغییر معادلات منطقه‌ای و جهانی، سرانجام طی فرآیندی بهت‌آفرین و با سقوط برخی‌اساس حکومت اسد، سرنواشت جدیدی پیش برداشته‌شدن تحریم‌ها توافق کنند.»

روى سوریه و آینده ژئوپلیتیکی منطقه قرار گرفت. این تحولات تأییدی است بر این اصل که در منطقه غرب آسیا، هیچ پیروزی یا شکستی نمی‌تواند بیش از یک دهه پایدار بماند و همواره باید منتظر تغییر در معادلات قدرت بود. این تحولات برای ایران سیاست‌گذاران منطقه‌ای این پیام مهم را دارد که نباید به موفقیت‌های مقطعی دل بست و همواره باید منتظر تغییرات ناگهانی در معادلات قدرت آماده بود. نکته قابل دیگر، ماهیت سیال اتحادها و ائتلاف‌ها در منطقه است که در بحران سوریه به خوبی نمایان شد.

این بحران نشان داد چگونه دشمنان دیروز می‌توانند به متحدان امروز تبدیل شوند و برعکس. تغییر مواضع ترکیه، عادی‌سازی روابط سوریه با کشورهای عربی و تحول در روابط ایران و عربستان، همگی نشان‌دهنده این پویایی پیچیده روابط است. در این میان، رقابت به‌عنوان زیربنای اصلی رفتار دولت‌ها عمل می‌کند و حتی همکاری‌های منطقه‌ای نیز در نهایت در چارچوب رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک شکل می‌گیرند. این الگوی رفتاری نشان می‌دهد که کشورهای منطقه باید در عین حفظ منافع ملی خود، انعطاف‌پذیری لازم را در روابط خود با سایر بازیگران داشته باشند. تجربه سوریه همچنین ثابت کرد که هیچ بازیگری، چه منطقه‌ای و چه فرامنطقه‌ای، نمی‌تواند به تنهایی هژمونی خود را بر منطقه تحمیل و تثبیت کند. حضور همزمان روسیه، آمریکا و قدرت‌های اروپایی در کنار بازیگران منطقه‌ای نشان داد که نظم منطقه‌ای همچنان تا حد زیادی از سیاست‌های قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای متأثر است. با این حال، نقش تعیین‌کننده بازیگران منطقه‌ای و جوامع محلی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. این واقعیت نشان می‌دهد که موفقیت در منطقه مستلزم ایجاد توازن میان منافع بازیگران مختلف و درک صحیح از محدودیت‌های قدرت است.

عامل جغرافیا و تاریخ نیز در بحران سوریه نقشی کلیدی داشته است. موقعیت استراتژیک سوریه در منطقه و پیوندهای تاریخی آن با همسایگان، به شکل‌گیری الگوهای خاصی از مداخله و نفوذ منجر شده است. این مسئله نشان می‌دهد که چگونه عوامل ژئوپلیتیک و تاریخی می‌توانند بر سیاست خارجی و رفتار دولت‌ها تأثیرگذار باشند و سرنواشت آن‌ها را رقم بزنند. درک این واقعیت برای سیاست‌گذاران منطقه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا نشان می‌دهد که هر اهربرد منطقه‌ای باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های جغرافیایی و تاریخی تدوین شود. بحران سوریه همچنین نشان داد که مسائل داخلی و خارجی در منطقه غرب آسیا به شدت به هم پیوسته هستند. ناآرامی‌های داخلی می‌تواند به سرعت به بحران‌های منطقه‌ای تبدیل شود و برعکس، تحولات منطقه‌ای می‌تواند تأثیر عمیقی بر ثبات داخلی کشورها داشته باشد. این درهم‌تدبگی ایجاب می‌کند که سیاست‌گذاران در تدوین راهبردهای خود، همزمان با ابعاد داخلی و خارجی مسائل توجه داشته باشند. بحران سوریه این واقعیت را آشکار ساخت که در غرب آسیا هیچ سرریز غیرقابل تغییر نیست و امنیت منطقه‌ای به تحولات پایرونی، به دنبال رفتارهایی برای مدیریت مشترک چالش‌های امنیتی و تمهید روابط و پیوندهای اقتصادی با یکدیگر باشند. تجربه سوریه همچنین تأکید می‌کند که روندهای امنیتی و نظامی نمی‌توانند جدا از ملاحظات دموکراتیک و توسعه اقتصادی – اجتماعی پیگیری شوند. در پایان، توسعه‌های مورد اشاره باید به شکل جدی مورد توجه سیاستگذاران کشور ما قرار گیرد. آن‌ها باید درک کنند که موفقیت در سیاست خارجی منطقه‌ای مستلزم انعطاف‌پذیری اهربدی، توجه به پویایی‌های متغیر منطقه‌ای، و ایجاد توازن میان اهداف امنیتی و توسعه‌های است. همچنین، ضروری است که سیاست‌های منطقه‌ای در نظر گرفتن ماهیت موقتی پیروزی‌ها و شکست‌ها، و با هدف ایجاد ثبات پایدار طراحی و اجرا شوند.